



حوزه ریاست

اداره کتابخانه و مرکز اسناد

مقاله نامه

یاددهی - یادگیری: روش ها، راهبرد ها

(دهه ۹۰)

تهیه و تنظیم: سهیلا قهرمانی

مرداد ماه: ۹۹

متن مقالات در کتابخانه سازمان قابل بازیابی است

۱- تدوین و اعتباریابی راهبردهای یاددهی-یادگیری در برنامه درسی فطرت گرای توحیدی

علیرضا کیخا، حسن ملکی*، سید صدرالدین شریعتی، علیرضا صادقی

چکیده

یکی از مهمترین عناصر طراحی برنامه درسی با رویکرد فطرت گرای توحیدی، راهبردهای تدریس و یادگیری است که نقش کلیدی در اجرا و کارایی برنامه درسی دارد. روش های تدریس باید با اهداف و محتوای مورد تدریس مطابقت داشته باشد و براساس نیازهای فراگیران طراحی شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف تبیین راهبردهای یاددهی-یادگیری در تدوین برنامه درسی فطرت گرای توحیدی صورت گرفته است.

روش کار

تحقیق حاضر به صورت آمیخته و شامل بخش های کیفی و کمی است. در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی به صورت قیاسی و در بخش کمی از روش تحقیق پیمایش استفاده شد. در تحلیل محتوای، ۴۲ مقاله مطابق معیارهای مورد نظر بررسی شد. برای تشکیل الگوی پیشنهادی، داده های حاصله تلفیق شدند. ابزار تحقیق پیمایش، پرسش نامه محقق ساخته بود که روایی آن به تایید ۵ نفر متخصص حوزه علوم تربیتی رسید. برای اعتبار بخشی الگوی پیشنهادی، ۲۰ نفر از متخصصان حوزه علوم تربیتی به صورت هدفمند انتخاب شدند که الگوی پیشنهادی براساس نظرات آنها اعتباریابی شد. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

نتایج به دست آمده بر اساس مطالعات منابع مختلف در این حوزه مشخص شد که، راهبردهای یاددهی-یادگیری در نگاه فطرت گرای توحیدی با سایر دیدگاه ها کاملاً متفاوت است، زیرا مهمترین مولفه های آن این است که نمی تواند جدای از ارزشها و هدفها تدوین شود و بطور خلاصه دارای ویژگی های زیر است:

نتیجه گیری

در نظر گرفتن تفاوت های فردی در فرایند یاددهی-یادگیری؛ انسانها دارای توانائی ها و استعداد های مختلف هستند بگونه ای پیامبر گرامی اسلام(ص) از آن بعنوان معادن سیم و زر یاد می کند لذا برنامه درسی فطرت گرای توحیدی در فرایند تدریس به آن توجه دارد.

کلید واژگان: راهبردهای یاددهی، یادگیری-یاددهی، یادگیری فطرت گرا، فطرت گرایی در یاددهی
نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، سال دوازدهم شماره ۲ (پیاپی ۵۴، خرداد و تیر ۱۳۹۸)،
صص ۳۳-۴۲

۲- تحلیل کاربرست فناوری آموزشی در بهبود و ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی-یادگیری در آموزش های فنی و حرفه ای

عیسی ثمری*، بهزاد رسول زاده، آذر نصیرزاده

فصلنامه فناوری آموزش و یادگیری، پیاپی ۱۰ (بهار ۱۳۹۶)، صص ۴۹-۷۰

نظام آموزش فنی و حرفه ای نیازمند بهره مندی از رویکرد های نوین فناوری آموزشی در ابعاد مختلف مفهومی آن به صورت منطقی و هوشمندانه است. پژوهش حاضر به بررسی چگونگی موفقیت و اثر بخشی فرایند یاددهی و یادگیری در آموزشگاه های فنی و حرفه ای پرداخته است. روش تحقیق، روش نیمه تجربی و مشاهده بوده و نمونه آماری آن شامل ۱۴۴ نفر از مربیان می باشند که به دو گروه کنترل و آزمایش با روش نمونه گیری تصادفی ساده تقسیم شده اند. برای اجرای طرح در آغاز به مربیان گروه آزمایش طرح ویژه آموزشی با محتوا و مولفه هایی مانند کاربرد و نحوه طراحی منظم آموزشی، بهره گیری از روش های فعال تدریس، بکارگیری مواد و وسایل آموزشی، نشستها و جلسات توجیهی و آموزشی لازم و مورد نیاز ترتیب داده شد و مربیان این طرح و روش را در فرآیند آموزشی خود مورد استفاده قرار دادند. بعد از پایان دوره میزان یادگیری فراگیران دو گروه آزمایش و کنترل بررسی و مقایسه گردیده و با روش های آماری میانگین، آزمون t برای دو گروه مستقل و غیره تحلیل شد. نتایج مطالعه، نشان می دهد که میانگین یادگیری فراگیران گروه آزمایش به جهت استفاده مربیان آموزشی آنها از مولفه های مربوط به فناوری آموزشی اشاره شده در فوق متناسب با شرایط و محتوای آموزش ها به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بوده و استفاده صحیح و مناسب این فرآیندها موجب بهبود فرآیند یاددهی و یادگیری فراگیران شرکت کننده در آموزش های فنی و حرفه ای می گردد.

کلید واژگان: فناوری آموزشی، فنی و حرفه ای، یادگیری، طراحی آموزشی

۳ - نگرش معلمان به روش های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ی ابتدایی

حسین زنگنه*، علیرضا کاوسی، زهرا بهرامی

مقدمه

امروزه اهمیت کارآفرینی در سیستم اقتصادی منجر به توسعه آن در بخش های بنیادین یک کشور از جمله آموزش و پرورش شده است. از این رو از آنجا که آموزش کارآفرینی عامل مهمی در رشد و توسعه خصیصه های کارآفرینی در دانش آموزان به حساب می آید، هدف پژوهش حاضر مطالعه ی نگرش معلمان به روش های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی بود.

روش ها :

پژوهش حاضر به شیوه ی توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه ی آماری شامل کلیه مهارت آموزان آموزگار ابتدایی ماده ی ۲۸ ورودی سال ۱۳۹۶ و در نهایت گروه نمونه شامل ۴۴ نفر از مهارت آموزان آموزگاری ابتدایی داوطلب بودند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. روایی محتوایی پرسشنامه به روش نظرخواهی از صاحب نظران و اعتماد یا پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴/ تایید شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ v و آزمون کالموگروف-اسمیرنوف جهت اطمینان از نرمال بودن توزیع داده ها و آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی تجزیه و تحلیل گردیدند.

یافته ها:

یافته های حاصل از پژوهش بیانگر این بودند که میانگین و انحراف استاندارد بعد فنون تدریس $11/4 \pm 65/0$ ؛ بعد ارائه ی محتوا $0/4 \pm 69/18$ ؛ و نهایتاً بعد ارزشیابی $95/3 \pm 67/0$ بود که از میانگین آماری بزرگتر و این تفاوت در سطح $0/01$ معنادار شد. زیرا $(p < 0/01)$ ؛ بنابراین با 99% اطمینان می توان گفت که نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی دار می باشد.

نتیجه گیری:

معلمان یکی از مهمترین عوامل موثر بر آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی بوده و به دلیل ایفای نقش خاص خود طی تدریس، چنانچه از نگرش و بینش خوبی نسبت به کارآفرینی برخوردار باشند، می توانند با ادغام آن با راهبردها و روش های یاددهی-یادگیری در کلاس، در پرورش افرادی خلاق و دارای روحیه و نگرش کارآفرینی بسیار تسهیل گر باشند

کلید واژگان: کارآفرینی، یادگیری کارآفرینی، کارآفرینی در دوره ی ابتدایی، راهبرد یاددهی یادگیری

نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، سال دوازدهم شماره ۶ (پیاپی ۵۸، بهمن و اسفند ۱۳۹۸)، ص ۱-۷

۴ - شبکه های اجتماعی مجازی؛ ابزاری در جهت کیفیت بخشی فرایند یاددهی - یادگیری

محبوبه سلیمان پورعمران*، رضا یوسفی مقدم

پیشرفت های شگرف در زمینه فناوری اطلاعات، بسیاری از مفاهیم خرد و کلان را دستخوش دگرگونی قرار داده است تا جایی که محدودیت ها و مشکلات نظام های اجتماعی با نقش آفرینی فناوری اطلاعات قابل رفع است. در این میان، یکی از مقوله هایی که فناوری اطلاعات در آن به ایفای نقشی مهمی پرداخته، یادگیری است؛ فناوری اطلاعاتی- طی سال های اخیر- در بهبود بازده آموزش علمی در مدارس و دانشگاه ها نگاهی موشکافانه داشته و گام هایی اساسی در تغییر روش های قدیمی تدریس برداشته است؛ به نحوی که به وجود آورنده مفاهیمی هم چون یادگیری الکترونیک یا آموزش وب محور بوده و سعی داشته در توسعه یادگیری گروهی، آموزش انسان هایی دانش مدار به منظور افزایش خزانه معلومات انسان ها و بسترسازی جهت تحقق جامعه علم جو به منظور مستحکم کردن زیربنای آینده کشور، قدم های موثری بر دارد. بر این اساس، آموزش بر پایه فناوری کسب دانش و معرفت از طریق ابزارهای فناوری اطلاعات در یک محیط مجازی صورت می گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از مطالعه منابع کتابخانه ای، جستجویی در ادبیات و مفاهیم یادگیری داشته و با استفاده از شبکه های اجتماعی و اجزای سیستم یادگیری الکترونیک، رویکرد سازنده گرایی و یادگیری الکترونیک، تعاملات، مقایسه یادگیری، آموزش سنتی، آموزش الکترونیک و مزایا و معایب آن را بررسی نموده است.

کلید واژگان: شبکه اجتماعی مجازی، یادگیری الکترونیک، کیفیت بخشی یادگیری و یاددهی

[Pure Life](#)، پیاپی ۱۹ (پاییز ۱۳۹۸)، صص ۱۱-۳۶

۵ - بررسی دو روش یاددهی یادگیری ترکیبی (مبتنی بر شبکه و سیار) بر یادگیری مفاهیم تعلیمات اجتماعی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تاثیر دو روش تدریس ترکیبی (سنتی و یادگیری تحت شبکه (بلاگ، تالار گفتگو)) و روش تدریس (سنتی و کتابچه الکترونیکی محقق ساخته تلفن همراه) برای یادگیری مفاهیم تعلیمات اجتماعی دانش آموزان پایه نهم انجام شد. روش پژوهش نیمه تجربی با گروه گواه و شاهد است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان دختر پایه نهم منطقه ۲۰ تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ می باشند که ۵۰ نفر آنها به شکل تصادفی خوشه ای رتبه ای از مدارس دولتی انتخاب شده اند. به ۲ گروه ۲۶ نفر، استفاده از کتابچه الکترونیکی تلفن همراه در کنار یادگیری سنتی و ۲۴ نفر گروه دوم استفاده از وبلاگ و تالار گفتگو در کنار روش تدریس سنتی دسته بندی شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته به منظور سنجش میزان پیشرفت و درک دانش آموزان از مفاهیم کتاب تعلیمات اجتماعی تهیه شده است که شامل ۳۰ سوال از ۶ مولفه مفاهیم کتاب که به شکل تصادفی از سه بخش جغرافی، تاریخ، اجتماعی تهیه شده است برای تعیین روایی محتوایی پرسشنامه از نظر معلمان و متخصصان استفاده شد. برای تحلیل داده های آماری در مورد هر یک از فرضیه های پژوهشی به علت تعیین تفاوت و محاسبه و مقایسه نمره های پیش آزمون و پس آزمون در گروه های آزمایش و گواه از آزمون ANCOVA (کوواریانس) استفاده گردید. یافته های پژوهش حاکی از آن است که در بخش تاریخ و تعلیمات اجتماعی روش کتابچه محقق ساخته تحت تلفن همراه موثر تر از روش وبلاگ و تالار گفتگو است و در درس جغرافیا روش وبلاگ و تالار گفتگو و کتابچه تحت تلفن همراه تفاوت چشمگیری در میزان پیشرفت تحصیلی ندارد و هر دو روش موثر هستند.

نویسندگان: فروزان ضرابیان افسانه عزیزی علویجه

منبع: اندیشه های نوین تربیتی دوره چهاردهم پاییز ۱۳۹۷ شماره ۳

۶ بررسی میزان، اهداف، مراحل و موانع بهره گیری از رسانه های آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری
از دید معلمان دوره ابتدایی شهر تهران

زهره کاوه*

چکیده:

پژوهش حاضر در راستای بررسی میزان، اهداف، مراحل و موانع بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی در فرایند یاددهی- یادگیری از دیدگاه معلمان ابتدایی شهر تهران انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی شهر تهران بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۳۹۸ نفر از معلمان به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده است که روایی آن توسط متخصصان تایید شده و پایایی آن نیز در آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ بوده است. تحلیل داده‌ها به کمک آمار توصیفی و نیز استنباطی شامل آزمون‌های غیر پارامتری فریدمن و کوکران استفاده شده است. نتایج نشان داد؛ بیش از نیمی از معلمان از طریق دوره‌های آموزشی و مطالعه شخصی با رسانه‌های آموزشی و نحوه کاربرد آن‌ها آشنا شده‌اند. بیشترین میزان آشنایی معلمان با رسانه‌های آموزشی در دوره تحصیل دانشگاهی بوده است. میزان استفاده معلمان از انواع رسانه‌های آموزشی به‌جز رسانه‌های جدید در حد متوسط یا بیش از متوسط است. معلمان به ترتیب با هدف استفاده از حواس دیداری- شنیداری دانش‌آموزان، جلب‌توجه و افزایش علاقه، ساده‌سازی مفهوم درس و گرفتن امتیاز استفاده از رسانه در فرم ارزشیابی از رسانه‌های آموزشی استفاده می‌کنند. در مورد مراحل استفاده از رسانه‌ها در کلاس درس، کلاس به مراحل شروع، هدایت و جذب دانش‌آموزان، ارائه محتوای درس و ارائه تکلیف، تقسیم‌بندی و توزیع استفاده رسانه‌ها در این مراحل به دست آمد. مهم‌ترین موانع استفاده از رسانه‌های آموزشی توسط معلمان، به کمبود رسانه‌ها، محدودیت ساعت درسی، کمبود متصدی تکنولوژی آموزشی، دسترسی دشوار به رسانه و آشنا نبودن به نحوه استفاده از رسانه اختصاص داشته است.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های آموزشی، فرایند یاددهی یادگیری، موانع بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۲، شماره ۷ - (پاییز و زمستان) ۱۳۹۴ صفحات ۱۴۹-۱۶۲

۷ - بررسی و مقایسه عناصر برنامه درسی و مولفه‌های یاددهی - یادگیری از دیدگاه پائولو فریره

و هنری ژیرو

رضا فضلعلی‌زاده*، فروغ باقرزاده خداشهری

چکیده:

هدف پژوهش حاضر معرفی دیدگاه‌های تربیتی مبتنی بر نظریه انتقادی است. تحقیق درصدد است با تکیه بر دیدگاه‌های پائولو فریره و هنری ژیرو، عناصر برنامه درسی و مولفه‌های یاددهی - یادگیری را استخراج، تحلیل و

مقایسه نماید. مقاله به بررسی و مقایسه؛ مبانی فلسفی آموزش و پرورش انتقادی، اهداف تربیتی، روش تربیتی، نقش معلم و دانش‌آموز، محتوای آموزشی و ارزشیابی از دیدگاه فریره و ژيرو پرداخته است. روش تحقیق کیفی مبتنی بر شیوه تحلیلی - تطبیقی با اتکاء بر مدل جرج بردی است. تشابه و تفاوت دلالت‌های تربیتی تعلیم و تربیت انتقادی فریره و ژيرو مورد اشاره قرار گرفته و در پایان نقد هریک آورده شده است. نتایج نشان داد؛ فریره به تعلیم و تربیت انتقادی مرتبط با توسعه آگاهی انتقادی توجه می‌کند و روش آموزش طرح مساله را برای رسیدن به هدف پیشنهاد می‌کند و ژيرو ادعا می‌کند که آموزش و پرورش ذاتاً روندی سیاسی دارد و مدارس از طریق برنامه درسی پنهان، سلطه آموزشی را تحکیم و معلمان به عنوان روشنفکران تحول‌آفرین، محسوب می‌شوند. مقوله‌های؛ رهایی، نقد، دگرگونی، روشنگری، خرد و عمل متفکرانه محور نظریه‌پردازی‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهد. متفکران تعلیم و تربیت انتقادی چون فریره و ژيرو با ارائه تحلیل‌هایی درباره موسسه‌ها و موقعیت‌های آموزشی، اصطلاحات و نظریه‌هایی مانند؛ سلطه آموزشی، آگاهی انتقادی، نظریه بازتولید، نظریه مقاومت، تعلیم و تربیت مرزی، برنامه درسی پنهان و تعلیم و تربیت رهایی‌بخش را ابداع کرده‌اند که در گفتمان‌های تربیتی معاصر به وفور یافت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، مولفه‌های یاددهی - یادگیری، نظریه انتقادی، فریره، ژيرو

پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۱۵، شماره ۱ - (بهار و تابستان ۱۳۹۷) |

^۸**محیط یاددهی یادگیری کل نما: گذر از عصب فلسفه به عصب پدیدارشناسی**

حسین شرفی، بختیار شعبانی ورکی*، محمدسعید عبدخدایی، علی مقیمی

هدف اصلی این مقاله تبیین نابسندگی و دشواری‌های نظریه‌ی عصب فلسفه، در ترسیم چارچوب محیط‌های یاددهی - یادگیری و پیشنهاد بدیلی برای رفع این دشواری‌هاست. بنابراین نخست چشم‌انداز نظریه‌ی عصب فلسفه به محیط‌های یاددهی - یادگیری مورد بررسی و نقد قرار گرفته است، آنگاه با ابتدای بر رویکرد عصب پدیدارشناسی وارلا و با نظر به دیدگاه انتگرال، محیط یاددهی - یادگیری کل نما پیشنهاد شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد در محیط‌های یادگیری عبارت‌اند از: نگرش کل‌نگر و یکپارچه به حیات پیچیده‌ی آدمی، درنظرگرفتن روابط علی و متعامد ذهن، بدن و محیط یادگیری و توجه هم‌زمان به عین و ذهن و همه‌ی لایه‌های پیدا و پنهان آن، با به کارگیری تلفیقی روش‌شناسی‌های اول و سوم شخص در خصوص مولفه‌های

اساسی محیط های مذکور یعنی تدریس، ارتباط معلم و یادگیرنده، ارزشیابی و برنامه درسی به عنوان یک کل یکپارچه.

کلید واژگان: محیط یاددهی - یادگیری، عصب فلسفه، عصب پدیدارشناسی، نظریه ی انتگرال

نشریه فلسفه تربیت، سال چهارم شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۸)، صص ۵-۳۴

۹ - تدوین الگوی کیفی مدیریت فرآیندهای یاددهی - یادگیری در دوره ابتدایی

محمد جاودانی*، رحمت‌اله مرزوقی، محبوبه فولاد چنگ، مهدی محمدی، جعفر ترک‌زاده

چکیده:

هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی کیفی مدیریت فرآیندهای یاددهی-یادگیری برای کلاس‌های درسی دوره ابتدایی بوده است. پژوهش از نظر طرح، جزو پژوهش های کیفی و از نظر راهبرد، مطالعه موردی کیفی است. مشارکت کنندگان بالقوه پژوهش، افراد متخصص دانشگاهی بوده اند که با روش نمونه گیری هدفمند، ۲۰ نفر از صاحب نظران کلیدی انتخاب شدند. در این مطالعه از دو ابزار " مصاحبه نیمه ساختار یافته " و " فرم بررسی اسناد " استفاده شده است. در قسمت مصاحبه ۲۰ تن از متخصصین علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شیراز و دانشگاه فرهنگیان فارس انتخاب و با کمک تکنیک اشباع نظری مصاحبه شده اند. در بخش سند کاوی نیز از منابع مختلف همچون، کتاب ها، پایان نامه ها، مجلات ومقالات استفاده شده است. با استفاده از روش همسو سازی، اعتبار داده‌ها مورد تایید قرار گرفته است. تحلیل داده ها به کمک روش تحلیل مضمون بوده و در الگوی مذکور، شش عامل ؛ ۱- محیط فیزیکی ۲- محیط اجتماعی- روانی ۳- آمادگی ۴- آموزش ۵- تلفیق ۶- ارزشیابی توجه شده است. در این الگو محیط فیزیکی و محیط اجتماعی- روانی به عنوان بستری برای رفع نیازهای اساسی فراگیران عمل می کنند. در محیط فیزیکی باید به تامین نیازهای فیزیولوژیک دانش آموزان برای "بقا" و نیز سایر عوامل فیزیکی موثر بر یادگیری دانش آموزان توجه کرد. در محیط اجتماعی-روانی باید به تامین نیازهای روانی مربوط به بقا توجه داشت به علاوه در محیط اجتماعی- روانی باید نیاز دانش آموزان به "عشق و تعلق"، " قدرت"، " آزادی" و "شادی و نشاط" تامین شود همچنین در این الگو، چرخه آموزش به چهارمرحله یعنی؛ مرحله "

آمادگی"، "آموزش"، "تلفیق" و "ارزشیابی" تقسیم شد که بر بستر محیط فیزیکی و محیط اجتماعی- روانی شکل می‌گیرند و در هر مرحله باید به تامین نیازهای فراگیران توجه شود.

واژه‌های کلیدی: فرایندهای یاددهی-یادگیری، الگوی کیفی، دوره ابتدایی، نیازهای اساسی

دانشور رفتار، پاییز و زمستان - ۱۳۹۴ شماره ۵۵، علمی-پژوهشی ص ۱۳۳ تا ۱۴۸

۱۰ - مطالعه تطبیقی اندیشه های ویگوتسکی و برونر در باب فرایندهای یاددهی- یادگیری

ابو سعید داورپناه *

آشنایی با نظریه های یادگیری کمک می کند تا شناخت بهتر و بیشتری از نحوه یادگیری، تفکر و ارتباط کودکان با دیگران و محیط پیرامون به دست آید و معلمان افق های جدیدی را در مقابل خود بگشایند و زمینه های توسعه کیفی حرفه ای خود را فراهم آورند. با بررسی نظریه های یادگیری که رشد اجتماعی را از زاویه های مختلف موردبررسی قرار داده اند، می توان به تصویر روشن تر و بهتری از موضوع دست یافت. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی وجوه تشابه و تفاوت میان ویگوتسکی و برونر از لحاظ یادگیری است. برای این منظور، مبانی نظری، مفاهیم مرتبط و نوع آموزش موردنظر آن ها به شیوه تحلیل تفسیری موردبررسی قرار گرفته و سپس تفاوت ها و شباهت های آن ها به ویژه در الگوهای آموزشی معرفی شده است. بازشناسی وجوه زیربنایی و تبیین برخی مفاهیم مرتبط، حاکی از آن بود که هر دو دیدگاه با تاکید بر ماهیت فعال انسان در ساخت واقعیت اجتماعی خود، کنش او را در بستر دیالکتیک اجتماعی؛ تاثیر زبان و فرهنگ را در رشد شناختی، تعامل بین بزرگ سالان و کودکان در موقعیت های حل مسئله واستفاده از مفهوم تکیه گاه سازی ویگوتسکی، باهم مشابه اند و در حیطه های الگوهای آموزشی، نقش تفکر و زبان، مراحل رشد شناختی باهم متفاوت اند. درمجموع می توان چنین نتیجه گرفت که انسان به لحاظ اجتماعی بودن تواند در سایه تعامل بهینه و موثر با دیگران و استفاده بهینه از ابزار زبانی و توجه به مقوله فرهنگ سازی بهتر بیاموزد و تر بیاموزاند استفاده از تکنیک حل مسئله در این مسیر راهگشاست.

کلید واژگان: ویگوتسکی، برونر، یادگیری

مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، پیاپی ۳۵ (پاییز ۱۳۹۸)، صص ۵۳-۸۲

یاددهی و یادگیری

پدیدآورنده ها: شریفی، اصغر؛ محمد داودی، امیر حسین؛ اسلامی، فاطمه

چکیده

پژوهش حاضر، به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات با عملکرد دبیران در فرآیند یاددهی و یادگیری انجام شده است. روش تحقیق از نظر شیوه گردآوری اطلاعات توصیفی (همبستگی) و از نظر هدف، کاربردی بوده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دبیران مدارس متوسطه دخترانه شهر تهران به تعداد ۱۲۵۷۱ نفر تشکیل داده‌اند که حجم نمونه مطابق با فرمول کوکران ۳۷۵ نفر برآورد گردید و این تعداد به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین جامعه آماری انتخاب شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، دو پرسش‌نامه محقق ساخته فن آوری اطلاعات و ارتباطات با ضریب آلفای ۰/۷۹ و پرسش‌نامه عملکرد بر مبنای مدل هرسی و گلداسمیت با ضریب آلفای ۰/۸۱ در طیف پنج درجه‌ای لیکرت بوده است. داده‌های گردآوری شده به کمک روش‌های آمار توصیفی و استنباطی هم‌چون $K-S$ ، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین میزان استفاده دبیران از فن آوری اطلاعات و ارتباطات با عملکرد آنها در فرآیند یاددهی و یادگیری رابطه معناداری وجود دارد و ۶۰/۶ درصد تغییرات متغیر وابسته تحقیق (عملکرد دبیران) را به ترتیب مؤلفه‌های استفاده از نرم‌افزارهای کاربردی، استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی و سپس استفاده از اینترنت تبیین می‌کنند. هم‌چنین، بین نظرات آزمودنی‌ها به هر دو مؤلفه تحقیق (استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات و عملکرد) از نظر سابقه تدریس، تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

کلیدواژه‌ها: فن آوری اطلاعات و ارتباطات عملکرد یاددهی یادگیری

فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، تابستان ۱۳۹۱، سال دوم-ش. ۴، ص ۱۴۵-۱۶۷

۱۲- تاثیر همکاری بین معلمان مدرسه در ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی _ یادگیری

اکرم صفری*، بیژن عبدالهی، فاطمه صبوری

فرهنگ همکاری در مدرسه فرصت ها را برای توسعه و پیشرفت حرفه ای، افزایش داده و راهبردهای آموزشی را بهبود می بخشد. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر همکاری بین معلمان مدرسه در ارتقای کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری به انجام رسید. از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر نوع تحقیق توصیفی -همبستگی بود. جامعه آماری معلمان دوره دوم ابتدایی شهر تهران (تعداد ۶۰۰۰ نفر) بودند و نمونه آماری (۳۶۱ نفر) با استفاده از جدول کرجسی و مورگان به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعیین شد. ابزار گردآوری داده ها برای متغیر همکاری، پرسشنامه استاندارد رشد حرفه ای همکارانه صفری (۱۳۹۶) بود و برای متغیر کیفیت فرآیند یاددهی _ یادگیری از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی هر دو پرسشنامه از طریق روایی صوری و پایایی ابعاد آن ها، با استفاده از روش همسانی درونی آلفای کرانباخ تایید شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج حاکی از وجود همبستگی معنادار بین همکاری بین معلمان و ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی و یادگیری است و ابعاد تسهیم تجارب، وابستگی متقابل، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری و کنترل همکارانه، تبیین معناداری از کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری داشته اند و می توانند تغییرات کیفیت یاددهی و یادگیری (مهارت های طراحی تدریس، مهارت های ارائه درس، کیفیت علمی معلم، مهارت های ارزشیابی یادگیری و مهارت های ارتباطی) را تبیین کنند. همچنین بعد تسهیم تجارب، بیشترین و بعد مسئولیت پذیری کمترین تبیین را به خود اختصاص داده اند. یافته های این پژوهش اهمیت تقویت خرده مقیاس های همکاری بین معلمان را در محیط آموزشی برای ارتقاء کیفیت فرآیند یاددهی و یادگیری دانش آموزان مورد تاکید قرار می دهد.

کلید واژگان: یاددهی- یادگیری، معلمان، همکاری، کیفیت

نشریه مدیریت مدرسه، سال هفتم شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۸)، ص ۲۱۴-۲۳۲

۱۳- رویکرد یاددهی -یادگیری در پارادایم پیچیدگی

پدیدآورنده ها: شاهولی، کامران؛ مرعشی، سیدمنصور؛ هاشمی، سیدجلال

رویکرد یاددهی- یادگیری» الگوی مواجهه ی معلم و دانش آموز در یک محیط آموزشی و یکی از بخش های اصلی نظام آموزشی است. این الگو را می توان بر اساس آراء و اندیشه های متنوعی سازماندهی و ترسیم نمود؛ از جمله مکاتب فلسفی و یا نظریات علمی. هدف از این پژوهش ترسیم و تبیین رویکرد یاددهی- یادگیری در پارادایم پیچیدگی است. پارادایم پیچیدگی یکی از رویکردهای علمی معاصر می باشد که نگرش مبتنی بر آن در حال نفوذ به حوزه های مختلف دانش از جمله علوم تربیتی است. از این رو در این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است بر اساس مفاهیم و مؤلفه های اساسی در پارادایم پیچیدگی، رویکرد یاددهی- یادگیری ترسیم و تبیین گردیده و به طور خلاصه بدین شرح است: مراحل و توالی فعالیت های معلم و دانش آموز به صورت راهبردی است که به طور مداوم و با در نظر گرفتن حداکثر شرایط دخیل و موثر بر محیط آموزشی توسط معلم و در تعامل با دانش آموزان سازمان دهی و هدایت می شود. به عبارتی معلم با طراحی و سازماندهی راهبردی محیط به صورت غنی و پیچیده، دانش آموز را به سمت پژوهش و یادگیری هدایت می کند؛ بنابراین دانش آموز فعال و پژوهشگر است؛ پژوهشگری که پیوسته در مواجهه با محیط آموزشی، خود را سازماندهی و بازسازماندهی کرده و در واقع یاد می گیرد و تکامل می یابد. بر این اساس رابطه ی معلم و دانش آموز نیز بر پایه ی تعاملات گسترده و متنوع آنها با یکدیگر و با محیط، پویا و چندسویه می باشد.

پژوهش های تربیتی، بهار و تابستان - ۱۳۹۷ شماره ۳

۱۴ نقد و بررسی الگوی بارش فکری در فرایند یاددهی - یادگیری

پدیدآورنده ها : قاسمی فرد، قاسم؛ قاسمی فرد، احمد؛ ابراهیمی خارکشی، سارا؛ بابائی، فاطمه

چکیده :

هدف محققان در این مقاله "بررسی بررسی الگوی بارش فکری در فرایند یاددهی-یادگیری" بوده و روش تحقیق کتابخانه ای- تحلیلی می باشد. بارش فکری عبارت است از اجرای فن و گردهم آیی ای که از طریق آن، عده ای می کوشند برای یک مسأله به خصوص، با تمرکز تمام افکار و اندیشه هایی که همان جا ارائه می گردد، راه حلی بیابند. این روش تدریس دارای قوانینی می باشد که عبارتند از: ۱- انتقاد ممنوع است. ۲- قضاوت و ارزش یابی در مورد اندیشه و فکر اعضا ممنوع است. ۳- کمیت اندیشه ها و نظریات مطلوب است. ۴- ترکیب، تلفیق و تغییر دادن اندیشه های دیگران آزاد است. ۵- به نظریات غیرمعتد غیرمنطقی و دور از ذهن باید توجه شود. ۶- حضور افراد داوطلبانه و اختیاری است. ۷- مشابه سازی نظریات آزاد است. چنین بارش فکری یا مراحل اجرای الگوی

E5 عبارتند از: ۱- درگیر گردن ۲- کاوش ۳- توصیف ۴- شرح و بسط (گسترش) ۵- ارزشیابی که در این مقاله بررسی خواهد شد.

کلیدواژه ها: نقد، یادگیری، بررسی، فرایند یاددهی، الگوی بارش فکری

مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، بهار ۱۳۹۶، دوره سوم - شماره ۱/۱، ش. ۲۰۱-۲۱۰

۱۵- تبیین جایگاه و نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی - یادگیری مبتنی بر سنتز پژوهی در شواهد پژوهشی معاصر

صابر عبدالملکی، محبوبه خسروی*، مهشید ترکمان اسدی

فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) بر تدریس، یادگیری و پژوهش های مربوطه تاثیرگذار بوده است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه نظام مند و ارائه ترکیبی از پژوهش های صورت گرفته در حوزه جایگاه و نقش فاوا در فرآیند یاددهی - یادگیری بود. روش پژوهش، کیفی و به شیوه سنتز پژوهی انجام شد. منابع پژوهشی مرتبط از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با روشی نظام مند انتخاب، واکاوی محتوایی و دسته بندی شدند؛ در غربالگری ریز ۲۹ پژوهش که معیارهای مدنظر را داشتند، انتخاب، سپس سنتزی از یافته های آنان ارائه شد. یافته ها نشان داد که می توان از دو روند در رابطه فاوا و یاددهی و یادگیری سخن گفت: الف) روند تسهیل کنندگی؛ ب) روند جریان سازی. در عین حال که این دو روند در مواردی با یکدیگر همپوشانی دارند و کشیدن مرز مشخصی میان آنها مشکل می نماید اما می توان این دو روند را از هم جدا نموده و به بررسی ابعاد، خصوصیات و تاثیرات آن ها بر فرآیند یاددهی - یادگیری پرداخت بر این اساس، تاثیرات روند تسهیل کنندگی فاوا بر یاددهی - یادگیری در کوتاه مدت مشخص می شود؛ اغلب بصورت سخت افزاری، ظاهر مولفه های یاددهی - یادگیری را تغییر می دهد. روند جریان سازی، دربرگیرنده تغییراتی است که در سطحی عمیق تر و با پیچیدگی بیشتر، کیفیت و چگونگی یاددهی - یادگیری را تغییر می دهد این تغییرات را می توان به نوعی نتایج بلندمدت روند تسهیل کننده دانست که به صورت نرم افزاری نمود

کلید واژگان: فناوری اطلاعات و ارتباطات، تدریس، فرآیندهای یاددهی یادگیری، سنتز پژوهی

فصلنامه فناوری آموزش، سال چهاردهم شماره ۱ (پیاپی ۵۳، پاییز ۱۳۹۸)، صص ۲۳۷-۲۴۹

۱۶ - روشهای نوین یاددهی - یادگیری برروند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

فاطمه عزیززاده - رباب معدنی -

چکیده

یکی از مهمترین مشکلات نظام آموزشی کشور، عدم بکارگیری روشهای نوین و فعال تدریس در آموزش و کم توجهی به رویکردهای فعال یاددهی - یادگیری است که به نظر می رسد با بکارگیری این روشها مشکل آموزشی کشور ما که همان توسعه ی مهارتهای تفکر و یادگیری در دانش آموزان است مرتفع گردد. هدف این مقاله، مطالعه شیوه های نوین فرآیند یاددهی - یادگیری، مقایسه شیوه های نوین و سنی و در پایان معرفی رویکرد یادگیری ترکیبی به منظور ارائه خدمات بهتر در موسسات آموزشی و سازمانها به فراگیرانشان است. بدین منظور به معرفی ۱۳ شیوه نوین آموزش و یادگیری پرداخته شده است که استفاده معلمان از روشهای نوین و فعال تدریس موجب درگیر شدن دانش آموز در امر یادگیری گشته، رغبت دانش آموزان را به علم و علم آموزی بیشتر نموده و به پیشرفت تحصیلی آن ها منجر می شود. همچنین در این مقاله برای تحقق امر بازنگری در برنامه ها و بخصوص راهبردهای آموزشی تدریس، تغییر مسیر از فعالیت های معمول، به سمت راهکارهای نوین آموزش مستفیم اشاره گردیده است.

کلیدواژه ها: روش تدریس، دانش آموزان، یاددهی، یادگیری

ارائه شده در همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت، سال ۱۳۹۶

۱۷ - آسیب شناسی روش های تدریس در فرایند یاددهی و یادگیری از دیدگاه دبیران و

دانش آموزان دبیرستان های شهر اصفهان

نویسندگان: افسانه عبدلی ابراهیم میرشاه جعفری محمدجواد لیاقتدار فاطمه زین الدینی

چکیده

آهدف پژوهش حاضر شناسایی آسیب‌های روش‌های تدریس در مقطع متوسطه شهر اصفهان بود؛ بنابراین از روش پژوهش توصیفی - پیمایشی برای شناسایی این آسیب‌ها استفاده گردید. جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه دبیران و دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان اصفهان که به ترتیب تعداد آنها ۸۰۹۷ و ۱۴۰۲۵۰ نفر که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی طبقه‌ای و با در نظر گرفتن میزان افت آزمودنی، نمونه آماری برای دو گروه به ترتیب ۱۱۰ و ۲۴۰ نفر برآورد گردید. سپس با جدا کردن پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد ۹۵ نفر دبیر و ۲۰۶ نفر دانش‌آموز به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۰ سؤال بسته پاسخ در طیف لیکرت و ۱ سؤال باز پاسخ بود. ضریب پایایی پرسشنامه مربوط به دبیران و دانش‌آموزان با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۹ و ۰/۹۸ به دست آمد، همچنین برای سنجش روایی سؤالات پرسشنامه، از روش وابسته به محتوا استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از شاخص‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که میزان آسیب‌های روش‌های تدریس از نظر دبیران و دانش‌آموزان بیش از سطح متوسط است. از نظر دبیران بیشترین میانگین موارد آسیب‌زا «اهمیت ندادن معلم به مهارت‌های عملی تدریس» و «پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای معلمان» هستند دانش‌آموزان نیز بیشترین میانگین آسیب‌ها را مربوط به «انتظارات بیش از حد معلمان از دانش‌آموزان»، «بی‌توجهی به پاسخ‌های خودانگیخته دانش‌آموزان» و «عدم توجه به علایق دانش‌آموزان» می‌دانند. همچنین دیگر یافته‌ها نشان داد که بین دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان در خصوص آسیب‌ها تفاوت معنادار وجود دارد. بین دیدگاه دبیران بر اساس جنسیت و سابقه تحصیلی نیز تفاوت معنادار بود؛ اما بر اساس مدرک تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین، بین دیدگاه دانش‌آموزان بر اساس رشته تحصیلی و ناحیه تحصیلی تفاوت معنادار بود؛ اما بر اساس جنسیت و پایه تحصیلی تفاوتی مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها آسیب‌شناسی روش تدریس فرایند یاددهی و یادگیری

پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷ زمستان ۱۳۹۴ صفحه ۱۱۷-۱۳۲

۱۸ - بهبود فرآیند یاددهی - یادگیری مدارس هوشمند از منظر ارزشیابی

نویسندگان: علی اکبر دولتی لاله جمشیدی علی اکبر امین بیدختی

منبع: مطالعات آموزش و یادگیری دوره هفتم پاییز و زمستان ۱۳۹۴ شماره ۲ (پیاپی ۱/۶۹)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی روش های ارزشیابی در بهبود فرآیند یاددهی - یادگیری مدارس هوشمند انجام شده است. روش انجام این پژوهش از نوع روش های تحقیق آمیخته اکتشافی بوده است که در آن، نخست بخش کیفی به اجرا درآمده و پس از آن بخش کمی انجام شده است. در بخش کیفی این پژوهش، با ۶ نفر از متخصصان فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس هوشمند مصاحبه عمیق و با ۲۴ نفر از معلمان که به روش نمونه گریه هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه هدایت شده انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه ها و مطالعه عمیق مبانی نظری، در قالب پرسشنامه ای محقق ساخته، تنظیم شد که مشتمل بر ۲ بخش: الف) اطلاعات جمعیت شناختی، ب) راهکارهای ارزشیابی در بهبود فرآیند یاددهی - یادگیری مدارس هوشمند در دو بخش وضعیت مطلوب و وضعیت موجود بود. در بخش کمی پژوهش، پرسشنامه توسط ۲۵۴ نفر از معلمان، ۲۴ نفر از مدیران، ۲۴ نفر از معاونان و ۸ نفر از کارشناسان و متخصصان فناوری اطلاعات و ارتباطات تکمیل شد که این افراد به روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند. نتایج به دست آمده حاکی از این بود که از جمله مهم ترین روش های ارزشیابی، روش های «همخوان بودن فرآیند ها و ابزار های ارزشیابی با هدف ها و ماهیت برنامه»، دارای بیشترین اهمیت و رتبه اول، «به موقع بودن ارزشیابی» در رتبه دوم، «انجام گرفتن ارزشیابی به طور مداوم و به صورت آنلاین از دانش آموزان» در رتبه سوم، «جامع بودن ارزشیابی از هر دو منظر تکوینی و تراکمی (پایانی)» در رتبه چهارم و «اجرای انواع ارزشیابی» در رتبه پنجم در بهبود فرآیند یاددهی - یادگیری مدارس هوشمند قرار دارند .

کلید واژه ها : فناوری اطلاعات و ارتباطات مدارس هوشمند ارزشیابی فرآیند یاددهی - یادگیری

۱۹ - تدوین الگوی کیفی مدیریت فرآیندهای یاددهی - یادگیری در دوره ابتدایی

نویسنده: محمد جاودانی *، رحمت الله مرزوقی، محبوبه فولاد چنگ، مهدی محمدی، جعفر ترک زاده

چکیده:

هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی کیفی مدیریت فرآیندهای یاددهی - یادگیری برای کلاس های درسی دوره ابتدایی بوده است. پژوهش از نظر طرح، جزو پژوهش های کیفی و از نظر راهبرد، مطالعه موردی کیفی است. مشارکت کنندگان بالقوه پژوهش، افراد متخصص دانشگاهی بوده اند که با روش نمونه گیری هدفمند، ۲۰ نفر از

صاحب نظران کلیدی انتخاب شدند. در این مطالعه از دو ابزار « مصاحبه نیمه ساختار یافته » و « فرم بررسی اسناد » استفاده شده است. در قسمت مصاحبه ۲۰ تن از متخصصین علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شیراز و دانشگاه فرهنگیان فارس انتخاب و با کمک تکنیک اشباع نظری مصاحبه شده اند. در بخش سند کاوی نیز از منابع مختلف همچون، کتاب ها، پایان نامه ها، مجلات ومقالات استفاده شده است. با استفاده از روش همسو سازی، اعتبار داده ها مورد تایید قرار گرفته است. تحلیل داده ها به کمک روش تحلیل مضمون بوده و در الگوی مذکور، شش عامل ؛ ۱- محیط فیزیکی ۲- محیط اجتماعی- روانی ۳- آمادگی ۴- آموزش ۵- تلفیق ۶- ارزشیابی توجه شده است. در این الگو محیط فیزیکی و محیط اجتماعی- روانی به عنوان بستری برای رفع نیازهای اساسی فراگیران عمل می کنند. در محیط فیزیکی باید به تامین نیازهای فیزیولوژیک دانش آموزان برای «بقا» و نیز سایر عوامل فیزیکی موثر بر یادگیری دانش آموزان توجه کرد. در محیط اجتماعی-روانی باید به تامین نیازهای روانی مربوط به بقا توجه داشت به علاوه در محیط اجتماعی -روانی باید نیاز دانش آموزان به «عشق و تعلق»، « قدرت»، « آزادی» و «شادی و نشاط» تامین شود همچنین در این الگو، چرخه آموزش به چهارمرحله یعنی؛ مرحله «آمادگی»، «آموزش»، «تلفیق» و «ارزشیابی» تقسیم شد که بر بستر محیط فیزیکی و محیط اجتماعی- روانی شکل می گیرند و در هرمرحله باید به تامین نیازهای فراگیران توجه شود.

کلیدواژگان: **فراآیندهای یاددهی، یادگیری، الگوی کیفی، دوره ابتدایی، نیازهای اساسی**

دوفصلنامه پژوهش های آموزش و یادگیری، شماره ۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)

۲۰- ارائه چارچوبی تبیینی برای بعدشناسی فرایند یاددهی -یادگیری به عنوان یک نظام جامع

رفتاری

جعفر ترک زاده، سلیمه ستوده فر

در این مقاله فرایند یاددهی -یادگیری از رویکردی نظام گرا به عنوان یک سیستم رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است. توسعه فرایند یاددهی -یادگیری به عنوان یک سیستم رفتاری، مستلزم وجود متعامل سه بعد مفهومی، ساختاری و عملکردی می باشد. این سه در متن یک رویکرد راهبردی و با یک رهبری مناسب می توانند مبنایی برای توسعه و بهبود فرایند یاددهی -یادگیری فراهم آورند. بر این اساس، در این مقاله، الگویی سیستمی جهت رهبری فرایند یاددهی -یادگیری ارائه شده است. در این راستا ابتدا هر کدام از ابعاد سه گانه این

الگو به موجز تشریح شده و سپس عوامل تاثیر گذار بر فرایند یاددهی -یادگیری تحت عنوان محیط تعاملی سیستم مورد بررسی قرار گرفته اند و در نهایت به بررسی هسته مرکزی سیستم یعنی رهبری راهبردی فرایند یاددهی -یادگیری پرداخته شده است.

کلید واژگان: یاددهی، یادگیری، سیستم رفتاری، جهت گیری راهبردی، محیط تعاملی، رهبری

فصلنامه مطالعات مدیریت بر آموزش انتظامی، سال هفتم شماره ۴ (پیاپی ۲۸، زمستان ۱۳۹۳)، صص

۱۱۳-۸۹